

جنگال روز

احکام تازه برای دبیرکل معزول

هر روز یک حکم، هر بار یک عنوان!

ماجرای هدایت ممبینی، دبیرکل پیشین فدراسیون فوتبال، حالا وارد مرحله‌ای شده که بیش از هر چیز، پرسش برانگیزاست. مدیری که تنها حدود ۱۵ روز از پایان مسئولیتش در دبیرخانه فدراسیون می‌گذرد، نه تنها از ساختار مدیریتی فوتبال ایران کنار نرفته، بلکه هر روز با عنوانی تازه در یکی از مجموعه‌های اثرگذار فوتبال دیده می‌شود؛ ابتدا مشاور رئیس فدراسیون فوتبال و حالا نماینده مالک باشگاه نساجی. این روند طبیعی است که این سوال را به ذهن متبادر کند: چرا هرچه از مسئولیت اجرایی او کاسته می‌شود، بر تعداد عناوین و جایگاه‌های افزوده می‌شود؟

ممبینی البته حق دارد از عملکرد خود دفاع کند و مسئولان فدراسیون نیز اختیار دارند از تجربه و توان مدیریتی افراد مورد اعتمادشان استفاده کنند. اما وقتی مدیری پس از پایان یک دوره پرحاشیه مدیریتی، بدون فاصله قابل توجه در سمت‌های جدید منصوب می‌شود، افکار عمومی حق دارد درباره معیارهای این انتخاب با توضیح بخواند. به‌ویژه آنکه دوران دبیرگی ممبینی با اتفاقات بحث‌برانگیزی همراه بود؛ از نحوه تعیین سهمیه آسیایی و تشکیل تورنمنت سه جانبه گرفته تا ابهاماتی که درباره برخی اردوهای تیم‌های پایه مطرح شد.

مساله اصلی حتی شخص ممبینی نیست؛ مساله، منطق انتصاب‌ها و سازوکار پاسخگویی است. اگر عملکرد یک مدیر در دوره مسئولیتش قابل دفاع بوده، طبیعی است که فدراسیون و باشگاه‌ها بتوانند دلایل روشنی برای ادامه همکاری با او ارائه کنند. اما اگر درباره عملکرد همان مدیر سوالات جدی مطرح است، انتظار منطقی این است که پیش از صدور احکام تازه، ابتدا تکلیف ابهامات گذشته روشن شود.

از سوی دیگر، حضور همزمان یک فرد در جایگاه مشاور رئیس فدراسیون و نماینده مالک یک باشگاه، مسئله‌ای که از منظر افکار عمومی، نیازمند توضیح درباره حدود اختیارات و احتمال تعارض منافع است. نمی‌توان صرفاً با صدور حکم، سوالات مربوط به استقلال تصمیم‌گیری را نادیده گرفت.

در نهایت، شاید سوال مهم‌تر این باشد که فوتبال ایران تا چه اندازه به مدیران متعدد در عناوین متفاوت نیاز دارد و تا چه اندازه به پاسخ‌های روشن درباره عملکرد مدیران گذشته؟ افزایش مسئولیت‌های ممبینی بدون ارائه توضیح درباره عملکرد دوره دبیرگی، بیش از آنکه پایان یک حاشیه باشد، می‌تواند آغاز سوالات تازه‌ای باشد.

خبر

صحبت‌های تازه عضو هیأت رئیسه درباره

قرارداد قلعه‌نویی

حیدری حرف خودش را نقض کرد

طهمورت حیدری یکی از اعضای فدراسیون فوتبال ایران که پیش از این در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که قرارداد امیرقلعه‌نویی برای حضور در تیم ملی ایران به صورت سفید امضا نشده است، در صحبت‌های تازه خود از صحبت‌هایش عقب‌نشینی کرد. طهمورت حیدری اظهار داشت: «لازم می‌دانم توضیحی در مورد قرارداد امیر قلعه‌نویی با فدراسیون فوتبال جهت رفع ابهام ارائه کنم. در زمان گفت‌وگویی که با رسانه‌ها داشتیم، از جزئیات قرارداد امیرقلعه‌نویی و اینکه قرارداد ایشان به صورت سفید امضا شده، بی‌اطلاع بودم و صحبت‌هایم نیز بر همین اساس مطرح شد.»

عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال ادامه داد: «پس از بررسی منوجه شدم که قرارداد سرمربی تیم ملی با توجه به اعتماد دوطرفه‌ای که با فدراسیون وجود دارد، به صورت سفید امضا ارائه شده است. تأکید می‌کنم که صحبت‌های بنده هیچ منافاتی با مطالبی که از سوی فدراسیون فوتبال در این خصوص عنوان شده، ندارد.»

مشکل آفساید VAR حل می شود

محسن حکیم، مسئول کارگروه VAR از رفع مشکل لایسنس خط آفساید سیستم کمک‌داور ویدیویی و تجهیز تمام مسابقات لیگ برتر به این فناوری از هفته جاری خبر داد.

حکیم در واکنش به انتقادات خداداد عزیزی درباره نواقص VAR گفت: «موضوعی که آقای عزیزی مطرح کرد کاملاً درست است و ما در حال رازبازی و پیگیری برای رفع آن هستیم.» او درباره علت مشکل توضیح داد: «مساله اصلی مربوط به لایسنس آفساید است که دوره دو ساله آن به پایان رسیده بود.»

مسئول کارگروه VAR با اشاره به استفاده از تجهیزات جایگزین در برخی مسابقات اظهار داشت: «در دیدار خورستان و تراکتور، دودستگاه را با یکدیگر ترکیب کردیم و از دستگاه ریکور برای پشه‌بردیم.» به گفته او، حدود ۴۰ درصد مسابقات با خط آفساید و ۳۰ درصد بدون آن برگزار شده است. حکیم همچنین تأکید کرد فدراسیون فوتبال در حال بررسی هزینه‌های تمدید لایسنس‌ها با توجه به منابع ارزی کشور است و وعده داد از این هفته تمامی بازی‌ها به خط آفساید مجهز خواهند بود.

سردار، عصبانی از تصمیم سرمربی؟

تراکتور در اولین قدم آسیایی فصل مقابل شباب الاهلی امارات شکست خورد؛ اما در جریان این مسابقه، دو تعویض هم توجه‌ها را به خود جلب کرد؛ تعویض‌هایی که ظاهراً برای بازبینی ایرانی چندان خوشایند نبود. دقیقه ۶۰، ژاردین تصمیم گرفت سردار آزمون را از زمین بیرون بکشد. مهاجم ایرانی هنگام خروج، واکنش خاصی داشت؛ بازیکنانی که برای خسته‌نباشید به سمتش آمده بودند را تحویل نگرفت و حتی با متوسل‌و، بازیکنی که قرار بود جای او وارد زمین شود، دست‌نداد. آزمون بدون مکت مستقیماً به سمت نیمکت رفت و نشست؛ رفتاری که به‌وضوح نشان می‌داد از تصمیم سرمربی راضی نیست. حتی توضیحات مربی شباب الاهلی هم او را قانع نکرد و عصبانیت سردار برای دقایقی ادامه داشت.

گزارش یک

سینا حسینی

خبرنگار

سهراب بختیاری‌زاده، سرمربی جوان استقلال در هفته‌های اخیر یک فرضیه مهم را در فوتبال ایران به چالش کشیده است؛ فرضیه‌ای که بارها از سوی سرمربی تیم ملی، مطرح شده و براساس آن، فوتبال ایران با کمبود بازیکنان جوان مستعد و آماده برای حضور در بالاترین سطح مواجه است. عملکرد استقلال نشان می‌دهد شاید مسأله بیش از آنکه به کمبود استعداد مربوط باشد، به میزان اعتماد و فرصت دادن به این استعدادها بازگردد.

بختیاری‌زاده در شرایطی هدایت استقلال را برعهده گرفت که با محدودیت‌های متعددی مواجه بود. بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی و دشواری‌های موجود در مسیر تقویت تیم، دست او را برای استفاده از گزینه‌های با تجربه و جذب بازیکنان جدید بسته بود. در چنین شرایطی، او به جای آنکه جوان‌ها را صرفاً به عنوان گزینه‌های اضطراری روی نیمکت نگه دارد، به آنها اعتماد کرد و فرصت حضور در میدان داد.

بازیکنانی مانند سعید سحرخیزان، امیرمحمد رزاقی‌نیا، اسماعیل قلی‌زاده، محمدحسین اسلاحی، علیرضا کوشکی، حسین گوردزی و حبیب فرعباسی بخشی از نسلی هستند که بختیاری‌زاده به آنها میدان داده است. این اتفاق تنها یک تصمیم از سر اجبار نبود؛ بلکه نشان داد اگر بازیکن جوان در محیطی رقابتی قرار بگیرد و مربی به او اعتماد کند، می‌تواند در سطح یک تیم بزرگ نیز تأثیرگذار باشد.

نکته قابل تأمل اینجاست که قلعه‌نویی، با تجربه

سال‌ها حضور در فوتبال ایران، در آستانه جام جهانی با همین مسأله روبه‌رو خواهد بود. اگر قرار باشد جوان‌گرایی فقط در حد شعار باقی بماند و در مسابقات بزرگ، اعتماد به بازیکنان با تجربه به تنها راهکار تبدیل شود، طبیعی است که فرصت رشد نسل بعدی نیز از بین برود. فوتبال ایران نمی‌تواند برای همیشه به چند بازیکن شناخته‌شده و با تجربه متکی بماند.

انتقاد از قلعه‌نویی به معنای نادیده گرفتن تجربه و کارنامه او نیست. اتفاقاً از مریی‌ای در جایگاه قرار باشد جوان‌گرایی فقط در حد شعار باقی بماند و در مسابقات بزرگ، اعتماد به بازیکنان با تجربه به تنها راهکار تبدیل شود، طبیعی است که فرصت رشد نسل بعدی نیز از بین برود. فوتبال ایران نمی‌تواند برای همیشه به چند بازیکن شناخته‌شده و با تجربه متکی بماند.

سهراب بختیاری‌زاده شاید ناخواسته یک درس مهم به فوتبال ایران داد؛ استعداد زمانی دیده می‌شود که فرصت بازی داشته باشد. اگر یک مربی جوان، در شرایطی دشوار، بتواند به جوان‌ها اعتماد کند و از آنها بازیکنانی قابل اتکا بسازد، انتظار می‌رود سرمربی تیم ملی نیز در بزرگ‌ترین میدان فوتبال جهان جسارت بیشتری برای میدان دادن به نسل جدید

داشته باشد.

شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که امیر قلعه‌نویی می‌تواند از سهراب جوان بگیرد، همین باشد؛ اینکه گاهی برای پیدا کردن استعداد‌های جدید، نیازی به جست‌وجوی دودست‌ها نیست، کافی است به جوان‌هایی که پشت درهای تیم بزرگسالان ایستاده‌اند، فرصت ورود بدهیم.



سهراب
بختیاری‌زاده
شاید ناخواسته
یک درس مهم به
فوتبال ایران داد؛
استعداد زمانی
دیده می‌شود
که فرصت بازی
داشته باشد. اگر
یک مربی جوان،
در شرایطی
دشوار، بتواند به
جوان‌ها اعتماد
کند و از آنها
بازیکنانی قابل
اتکا بسازد، انتظار
می‌رود سرمربی
تیم ملی نیز
در بزرگ‌ترین
میدان فوتبال
جهان جسارت
بیشتری برای
میدان دادن
به نسل جدید
داشته باشد

امارات، اولین آزمون عبدي و رفقا در ناگويا

در جست‌وجوی طلای گمشده



عبدی: ۱۵ بازیکن و ۳ دروازه‌بان به میدان می‌رویم

حسین عبدی در نشست خبری پیش از نخستین دیدار تیم فوتبال امید ایران در مرحله گروهی بازی‌های آسیایی ناگويا ۲۰۲۶ مقابل امارات، درباره حضور دوباره خود در ژاپن گفت: «خوشحالم که دوباره در ژاپن هستم. فکرمی‌کنم این پنجمین باشمین بار است که به ژاپن می‌آیم، هرچند دقیقاً مطمئن نیستم. از مسابقات قبلی که همراه تیم‌هایم در ژاپن حضور داشتم، خاطرات بسیار خوبی دارم و ژاپن همیشه میزبان بسیار خوبی بوده است. به یاد دارم که در یکی از دوره‌ها، فکر می‌کنم در میگاتا، در مراسمی نیز شرکت کردیم. حضور دوباره در بازی‌های آسیایی برای من باعث خوشحالی و افتخار است. این مسابقات فرصت بسیار خوبی است تا بازیکنان تجربه ارزشمندی به‌دست بیاورند و می‌دانم این تجربه برای آینده آنها و فوتبال ما مفید باشد.»

سرمربی تیم فوتبال امید ایران در واکنش به غیبت ۵ بازیکن در دیدار نخست مقابل امارات گفت: «تقویم بازی‌ها به شکلی است که دیدار نخست خارج از فینالی برگزار می‌شود. به هر حال این مشکلی است که اکنون کاری نمی‌توانیم برای آن انجام دهیم و باید شرایط را بپذیریم. موجودی ما برای بازی نخست همین است و در صورت نداشتن مصدومیت، ۱۵ بازیکن و ۳ دروازه‌بان مقابل امارات قرار خواهیم گرفت. فوتبال همین است و چنین چالش‌هایی وجود دارد. ما این شرایط را می‌پذیریم و تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا در دیدار فردا برابر تیم قدرتمند امارات عملکرد خوبی داشته باشیم.»

عبدی در خصوص زمان حضور رضا غندی‌پور بازیکن شباب الاهلی امارات تصریح کرد: «ما منتظر تمام نفرات لیست بودیم. مبین دققان از امارات آمد اما غندی‌پور نیامد و متأسفانه او در تیم باشگاهی اش هم بازی نکرد تا اطلاعات کافی را از او رویت کنیم. حالا با وجود تهیه بلیت برای او اعلام شد که نمی‌تواند بیاید. در هر صورت او باید خودش را در فینادی معرفی کند و در اردو حضور پیدا کند. ما پیش‌بینی‌های لازم را هم در این زمینه کرده بودیم که سه مهاجم را اضافه کردیم و برای بازی اول و دوم نگرانی نداریم.»

پیش از نخستین سوت، مشکلات زیادی را می‌آید و می‌خواهد از وضعیت حریف ایرانی بهره ببرد. هرچند چند ستاره خود امارات نیز با توجه به حضور در ترکیب شباب الاهلی، در این بازی غایب هستند.

طلایی که در دسترس نیست

ایران تاکنون در چهار دوره ۱۹۷۴، ۱۹۹۰، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ قهرمان بازی‌های آسیایی شده است؛ البته که تنها یکی از این قهرمانی‌ها در سال ۲۰۰۲ و با ترکیب تیم امید رقم خورده است. برای رسیدن به پنجمین قهرمانی باید از تیمی عبور کند که

نگاه فنی

حمیدرضا عرب

خبرنگار

پروژه‌ای که برای فوتبال ایران پشتوانه‌سازی خواهد کرد

تیم امید باید به تیم «ب» ایران تغییر ماهیت دهد

سال‌هاست تیم امید ایران در ساختار فوتبال کشور با یک مشکل قدیمی و تکراری دست‌وپنجه نرم می‌کند که نه آن‌قدر جدی گرفته می‌شود که برنامه‌ای مستمر و بلندمدت برایش طراحی شود و نه آن‌قدر بی‌اهمیت است که بتوان از کنار نتایج و ناکامی‌هایش به‌سادگی عبور کرد. حاصل این دوگانگی، تیمی است که معمولاً در مقاطع نزدیک به مسابقات تازه تمریناتش شکل می‌گیرد و پس از پایان رقابت‌ها بار دیگر به حاشیه می‌رود و از درجه اهمیت ساقط می‌شود.

در سال‌های طولانی حضور بازیکنان در تیم امید اغلب با خواش و رازبازی فدراسیون فوتبال یا باشگاه‌ها همراه بوده است. گاهی نیز اختلافات بر سر در اختیار گذاشتن بازیکنان به چالش‌هایی جدی تبدیل شده و حتی فشارهایی متوجه بازیکنان شده است. این وضعیت بیش از آنکه مشکل باشگاه‌ها یا بازیکنان باشد، نتیجه فقدان یک برنامه روشن و بلند مدت برای جایگاه تیم امید در ساختار فوتبال ایران است.

از طرفی نمی‌توان از باشگاه‌ها انتظار همکاری مطلوب داشت، وقتی تیم امید ماه‌ها فاقد سرمربی مشخص است، اردوهای منظمی ندارد، برنامه بازی‌های تدارکاتی‌اش مشخص نیست و روشن نیست در نهایت چه جایگاهی در رنجهیره تیم‌های ملی دارد.

بدون شک تیمی که از پایه و اساس می‌تواند پشتوانه فوتبال ملی باشد، نمی‌تواند فقط با چند هفته یا چند ماه پیش از شروع مسابقات فعال شود.

راه تغییر این رویکرد تغییر ماهیت شکل‌گیری تیم امید است. فدراسیون فوتبال باید این تیم را عملاً به تیم «ب» ایران تبدیل کند؛ تیمی که به عنوان حلقه واسط میان فوتبال باشگاهی و تیم ملی بزرگسالان فعالیت کند و بازیکنان مستعد و آینده‌دار را برای حضور در بالاترین سطح فوتبال ملی آماده سازد.

برای تحقق این هدف بزرگ و آینده‌نگرانه نخستین گام داشتن یک کادر فنی ثابت و برنامه‌محور است. تیم «ب» نباید با تغییر نسل بازیکنان یا نزدیک شدن به یک رقابت از نو ساخته شود. باید مربی، کادرفنی و ساختار مشخصی داشته باشد و در تمام طول سال زیر نظر فدراسیون به تمرین بپردازد.

اردوهای دوره‌ای، بازی‌های تدارکاتی منظم و حضور مستمر در مسابقات بین‌المللی می‌تواند این تیم را از حالت مقطعی خارج کند. حتی باید برای این تیم به عنوان تیم «ب» ایران تورنمنت داخلی نیز با حضور تیم‌های کشورهای همسایه ترتیب داد.

درعین حال می‌شود در برخی پنجره‌های فینادی از تیم «ب» ایران در مسابقات یا دیدارهای دوستانه استفاده کرد تا بازیکنانی که فاصله چندانی با تیم ملی بزرگسالان ندارند، تجربه بین‌المللی بیشتری به‌دست آورند و باشگاه‌ها به این باور برسند که شکل‌دهی تمرینات این تیم از سر ناچاری نیست و اهمیت وافری در ساخته شدن تیم ملی بزرگسالان دارد.

چنین ساختاری هم به رشد بازیکنان کمک می‌کند و هم فشار موجود برای دعوت ناگهانی بازیکنان از باشگاه‌ها را کاهش خواهد داد و باورپذیری بیشتری نزد باشگاه‌ها ایجاد خواهد کرد تا این تیم را جدی بگیرند.

البته از منظر ارزش‌گذاری رسمی فوتبال (منظورمان رنکینگ است)، موفقیت در رقابت‌های المپیک یا بازی‌های آسیایی الزاماً تأثیری در رده‌بندی فوتبال ملی ندارد. اما مسأله اصلی تیم امید نیز نباید صرفاً کسب مدال یا صعود به المپیک باشد. فدراسیون می‌تواند با تعریف مأموریتی تازه، ارزش واقعی این تیم را در مسیر توسعه فوتبال ایران ایجاد کند.

تیم «ب» باید کارخانه تولید بازیکن برای تیم ملی باشد. جایی برای تجربه‌اندوزی، محک خوردن و آماده شدن بازیکنانی که در آینده پیراهن تیم بزرگسالان را بر تن خواهند کرد.

اگر چنین نگاهی شکل بگیرد، طبیعی است که جامعه فوتبال نیز جایگاه متفاوتی برای این تیم قائل شود و باشگاه‌ها نیز همکاری با آن را بخشی از فرایند توسعه فوتبال خود بدانند.

در واقع انتظار است یک ساختار فرسوده اصلاح شود و اگر فدراسیون فوتبال واقعاً به دنبال ساختن آینده تیم ملی است، باید تیم امید را از یک تیم مقطعی و مناسبتی خارج و آن را به تیم «ب» ایران تبدیل کند.